

رابطه ویژگی‌های فرماندهان و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی

محمدعلی عامری^۱ و پرویز آهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۲/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۵/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: مقوله «نظم و امنیت» یکی از مهم‌ترین اصول حیات و اساسی‌ترین شاخصه و شاکله حکومت و نظام سیاسی هر کشور است. یکی از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت و برقراری نظم و آرامش در مسیر رشد و توسعه جامعه است که با به کارگیری و استخدام ابزار و امکانات متنوع باید به این امر مهم همت گمارد. در همین رابطه، رهبری و مدیریت کارآمد فرماندهان و مدیران در سازمان‌هایی که مسئولیت برقراری این نظم و امنیت را در جامعه به عهده دارند، نقشی تعیین‌کننده دارد.

روش: روش تحقیق همبستگی و از نوع کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق فرماندهان، رؤسا و مدیران فرماندهی انتظامی تهران بزرگ به تعداد ۱۰۰ نفر است و با توجه به محدود بودن جامعه آماری نمونه‌گیری به صورت تمام شمار می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۴۰ سؤال از ویژگی‌های مدیران شایسته است. پایایی پرسشنامه (با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ) ۰.۸۵ برآورد و برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (تایک نمونه‌ای و آزمون تحلیل واریانس فریدمن) با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها: در این تحقیق سعی گردیده است بر اساس ویژگی‌های مدیران در چهار بعد مدیریتی، شخصیتی، رفتاری، ارزشی و بینشی، و تبیین مبانی نظری امنیت پایدار نسبت به بررسی رابطه بین این ویژگی‌ها با برقراری امنیت پایدار اقدام گردد.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاکی از آن است که ویژگی‌های فرماندهان، رؤسا و مدیران در برقراری امنیت پایدار در جامعه مؤثر بوده، بین این متغیرها رابطه معناداری وجود داشته و در بین این ویژگی‌ها، ویژگی‌های ارزشی و بینشی بیشتر از سایر ابعاد مؤثر است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت داخلی، ابعاد امنیت، ویژگی‌های مدیران، ویژگی‌های ارزشی و بینشی

□ استناد: عامری، محمدعلی؛ آهی، پرویز (ویژه‌نامه، ۱۳۹۳). رابطه ویژگی‌های فرماندهان و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی. *فصلنامه مطالعات*

مدیریت/انتظامی، ۵۱-۸۰

۱. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم (نویسنده مسئول) Email: m.ali.ameri.h@gmail.com

۲. دکتری مدیریت منابع انسانی Email: p.a.704170@gmail.com

مقدمه

امنیت از مهم‌ترین کشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. در حقیقت نیاز به امنیت مانند اکثر نیازهای انسان‌ها امری کاملاً طبیعی بوده و انسان‌ها را می‌دارد که در تأمین آن در سطح فردی یا جمعی از خود تحرکاتی نشان دهد. اساس تشکیل جامعه نیز مسائل امنیتی بوده که در این خصوص می‌توان به نظریه قرارداد اجتماعی فلاسفه قرن هجدهم از هابز گرفته تا روسو اشاره کرد که به عقیده آنها نیاز به تضمین جمعی امنیت افراد اولین مرحله قانونی برای شکل‌گیری یک دولت است. به این صورت می‌توان گفت که تأمین امنیت و راه‌های دستیابی به آن از جمله سنگ بناهای شکل‌گیری واحدهای سیاسی بوده تا، از این طریق اعضای جوامع مذکور بتوانند به کمک همدیگر به مهم‌ترین نیازشان که تأمین امنیت است دست یابند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳).

بررسی‌های امنیتی بیانگر آن است که درک صحیح از امنیت داخلی مستلزم تعیین مرجع آن در داخل هر کشور است. در واقع ما در تعیین مرجع امنیت، در پی شناسایی و تعیین نهادهایی هستیم که به شکل ضابطه‌مند وظیفه امنیت‌سازی را بر عهده دارند. در مورد امنیت داخلی وضع به گونه دیگری است. در این گونه از امنیت، نقش مرجع امنیت که به عنوان نهاد امنیت سازمان مطرح است، برجسته است. اغلب محققان امنیتی معتقدند امنیت داخلی شامل حفظ ساختار حکومت، نهادهای حکومتی به ویژه نهادهای برقرارکننده نظم و امنیت داخلی، رهبران نظام و مجموعه مشترک ارزش‌ها، اصول، هنجارهای مشروعیت‌ساز قدرت، اصول و رویه‌های ثبات در حاکمیت، توانایی حفظ اقتدار، نظارت، اجرای قواعد و مقررات انتظام بخش است (بلندیان، ۱۳۸۶: ۲۶).

در این گونه از امنیت، امنیت‌سازی از بالا به پایین بوده و نقش و کارکرد سازمان حکومت در آن فراگیر و گسترده است (کریستنسن، ۲۰۰۷: ۸۵).

بر اساس دانش نوین مدیریت، وجود مدیران بصیر، راهبردی یا به عبارت روشن‌تر رهبران کارآمد ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. این نوع مدیران و فرماندهان با توجه به آمادگی تغییر و تحول سازمانی در کارکنان سازمان خود از سبک‌ها یا راهبردی مناسب برای ایجاد تحول در سازمان استفاده می‌کنند تا بدین وسیله به سازمان، پویایی بخشیده و آن را در برابر تغییرات

محیطی حفظ و نهایتاً نسبت به برقراری امنیت در جامعه اقدام کنند. از طرفی ویژگی‌های رهبران و مدیران باید بر مبنای یک سلسله معیارها و ملاحظات صورت گیرد تا ضمن حفظ منابع سازمانی حداکثر بهره‌وری حاصل گردد. در مجموع، یافته‌های بیشتر مطالعات و تحقیقات انجام شده حاکی از تأثیر بسزای، کارآمدی فرماندهان و مدیران و ویژگی‌های آنان در برقراری امنیت پایدار است (یالی، ۲۰۰۷: ۱۰۵). در جمهوری اسلامی ایران نیز، نیروی انتظامی به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع امنیت داخلی موظف است در همه ابعاد و با به کارگیری تمام توان خود، موضوع را مدیریت و امنیت داخلی را برقرار نماید. به همین منظور فرماندهان، رؤسا و مدیران به عنوان رکن اصلی سازمان ناجا تأثیر بسزایی در به منص ظهور رساندن امنیت در سطح جامعه خواهند داشت.

پیشینه تحقیق

درمورد امنیت و سطوح مختلف آن بررسی‌های بسیاری شده است اما مطالعه امنیت داخلی به طرز چشم‌گیری ضعیف و توسعه نیافته است. با این حال در این تحقیق برخی از بررسی‌هایی که بیشترین ارتباط ماهیتی را با حوزه امنیت داخلی داشته‌اند، ارائه می‌شوند.

پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «شکاف قومی، دولت مرکزی و امنیت ملی ایران (مطالعه موردی: مناطق کردنشین)» به وسیله میرزایی در مقطع دکتری تألیف گردیده است (میرزایی، ۱۳۸۵: ۵۵). آریاپور (۱۳۸۴) پایان‌نامه دکتری خود را با عنوان «تحلیل نقش بسیج در برقراری امنیت داخلی و پیشنهاد استراتژی مناسب، مطالعه موردی شهر تهران» دفاع نموده است.

جدی (۱۳۸۳)، پایان‌نامه‌ای در زمینه امنیت داخلی با عنوان «بررسی مدیریت بحران در زمینه امنیت داخلی و ارائه الگوی بهینه در این مورد» در مورد پژوهش وقایع کوی دانشگاه تهران ۱۸ تا ۲۳ تیرماه ۷۸ در مقطع دکتری دفاع کرده است.

بلندیان (۱۳۸۶) پایان‌نامه مقطع دکتری خود را با عنوان «تأثیر جنبش‌های نوین اجتماعی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد مدیریت آسیب با تأکید بر شهر تهران» تدوین نموده است.

بیات (۱۳۸۷) پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان

تهرانی» در مقطع دکتری به رشته تحریر در آورده است.

مرجایی (۱۳۸۱) طرحی تحقیقاتی به همت استانداری استان قم تحت عنوان «بررسی و سنجش احساس امنیت در بین گروه‌های مختلف شهر قم» اجرا کرده است.

افتخاری (۱۳۷۸) مقاله‌ای تحت عنوان «چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» تدوین کرده است.

مفهوم شناسی امنیت

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی از رویکردهای متفاوتی برای تبیین امنیت استفاده کرده‌اند. براساس این نظریه‌ها، امنیت در حوزه اصلی و بنیادی امنیت ملی مورد شرح و تفسیر قرار گرفته و با مفاهیمی چون قدرت، حاکمیت، مشروعیت، منافع و تهدیدات در هم آمیخته است. از این رو برای ترسیم مدل نظری و ساختار مفهومی امنیت داخلی، مطالعه رویکردهای مختلف در باب وجوه متنوع امنیت اجتناب‌پذیر می‌نماید (هاملند، ۲۰۰۷: ۸۸). پس از رنسانس، شاهد شکل‌گیری مجموعه‌های اجتماعی در قالب نظام‌های سیاسی دولت - ملت هستیم. لازمه بقا و دوام این نظام‌ها مانند هر واحد دیگر اجتماعی، اتخاذ تدابیر لازم به منظور از بین بردن خطرها و تهدیدات بوده است. خطرها و آسیب‌ها، بالطبع تهدیداتی هستند که خصوصیات و ویژگی‌های بنیادی نظام سیاسی دولت - ملت را نشانه گرفته‌اند (کارمین، ۲۰۰۷).

«امینت ملی شامل تعقیب روانی و مادی امنیت بوده و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان و خود ممانعت به عمل آورند» (ره پیک، ۱۳۸۸: ۹۹). به این ترتیب، هر کشوری موظف است از دولت و مرزهای جغرافیایی خویش در مقابل دشمنان و متجاوزان خارجی دفاع نموده و با زدودن آسیب‌ها و خطرها، امنیت را برای شهروندان مرزوبوم خویش فراهم کند. پس امنیت ملی با قبول حاکمیت دولت و مشروعیت آن به دفاع از آن در مقابل تهدیدات خارجی می‌پردازد.

در گذر زمان، حاکمیت دولت به عنوان قدرت منحصر به فرد زیر سؤال رفته و تمایل به

تمرکززدایی و چند قطبی شدن قدرت، مناقشات و چالش‌های فراوانی را در باره مشروعیت دولت در قالب انواع مردم‌سالاری‌ها (دموکراسی‌ها) پیش آورده است. همچنین فشارهایی که دولت صرفاً به منظور حفظ منافع خود بر شهروندان اعمال می‌نمودند، صلاحیت این نهاد را در خصوص دفاع از شهروندان با شک و تردید مواجه می‌کرد. برای حل این چالش‌ها، نظام دولت-ملت به جای «حاکمیت بر مردم» بر «خدمت برای مردم» تأکید می‌کند؛ چنانکه از دولت‌های رفاهی جوامع شمال به عنوان «باغبان» یاد می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

گرچه برخی را اعتقاد بر آن است که وقتی از بُعد داخلی امنیت صحبت می‌کنیم، روی سخن صرفاً متوجه مخالفان داخلی نظام می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۸)، اما این امر با آنچه معطوف به زندگی شهروندان است قابل جمع شدن است و در واقع می‌توان ادعا کرد که هر یک برجسته‌ای از این مفهوم تأکید دارند. به بیان دیگر، عدم کنترل جرایم یا تکرار آشوب‌های خیابانی، و عدم استمرار نظم و قانون نیز به نوعی به فروپاشی نظام و ساقط شدن حاکمیت می‌انجامد. در عین حال برای تمایز مشخص و تفکیک روشن این مرزها از واژه «امنیت عمومی» استفاده شده است؛ بنابراین امنیت عمومی مساوی با امنیت داخلی نیست، گرچه بزرگترین زیرمجموعه آن را تشکیل می‌دهد.

امنیت عمومی چنانکه از نام آن مستفاد می‌شود، با حراست از زندگی عموم مردم سفید یا سیاه، زن یا مرد، تحصیل‌کرده یا بی‌سواد، و بدون در نظر گرفتن زبان و نژاد آنها مرتبط است. حفظ جان، مال و کلیه شئون زندگی شهروندی در سایه برقراری امنیت عمومی فراهم می‌آید. بنابراین پلیس به عنوان عامل برقراری امنیت عمومی، وظیفه مقابله با جرایم و آسیب‌های اجتماعی چون سرقت، قتل و اعتیاد را برعهده دارد و برقراری نظم و قانون به منظور تحقق امنیت، هدف اصلی آن است. حیطة امنیت عمومی نیز به تبع نیازهای امروز، گسترش یافته و از محدوده کشف جرم و مقابله با جرایم به حوزه‌هایی چون پیشگیری از جرم، مشاوره و مددکاری کشیده شده است. همچنین در کنار پلیس دولتی، پلیس محله، خصوصی و غیره شکل گرفته‌اند (هاملند، ۲۰۰۷).

امنیت در معنای لغوی شامل تشویش و ترس، آسودگی و اطمینان خاطر است؛ بنابراین به رغم گستردگی عملکرد پلیس، امنیت شهروندان در مفهوم عدم تشویش و نگرانی برای زندگی، زمانی تأمین می‌گردد که مشکلات گریبانگیر افراد نیز متولی داشته و توسط سازمان‌های جامعه حل و فصل

شود. بیکاری و عدم امکان تأمین معاش، از جمله مواردی است که آرامش و آسودگی خیال را از افراد سلب کرده، مانع زندگی متعارف شده و زمینه‌های جرم‌زایی و آسیب‌پذیری را رقم می‌زنند.

مفهوم‌شناسی امنیت داخلی

نویسندگان علوم امنیتی تعاریف متنوعی از مفهوم امنیت داخلی ارائه نموده‌اند. «امنیت داخلی شامل حفظ ساختار حکومت، نهادهای حکومتی به ویژه نهادهای برقرارکننده نظم و امنیت داخلی، رهبران نظام و مجموعه مشترک ارزش‌ها، اصول، هنجارهای مشروعیت‌ساز قدرت، اصول و رویه‌های ثبات در حاکمیت، توانایی حفظ اقتدار و نظارت و اجرای قواعد و مقررات انتظام بخش است» (بلندیان، ۱۳۸۶: ۲۶). «بین امنیت داخلی و خارجی تمایزی وجود دارد. اولی (امنیت داخلی) مربوط به براندازی و چالش از جانب گروه‌هایی است که اقتدار دولت را نپذیرفته‌اند؛ دومی (امنیت خارجی) مربوط به تهدیدهای دولت‌های دیگر است. هر کدام غالباً عاملان خاص خود را دارند» (ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

به منظور پرهیز از هم‌پوشانی‌ها و درهم‌آمیختگی‌های مفهومی که میان شقوق مختلف امنیت در داخل مرزهای سرزمینی وجود دارد ارائه تعریف مشخصی از امنیت داخلی می‌تواند به روشن شدن ابعاد مسئله کمک کند. با این توصیف، مقصود ما در این تحقیق از مفهوم امنیت داخلی: «به وضعیتی گفته می‌شود که در آن سازمان حکومت و مناسبات درونی اش ضمن اطمینان از استمرار بقا، از تهدید و خطرهای بالفعل و قریب‌الوقوع مصون و نسبت به موجودیت خود احساس ناامنی و خطر نداشته باشد.» لازم به ذکر است سازوکارها و الزامات تأمین امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران لزوماً باید در چارچوب احکام و آموزه‌های دین مبین اسلام طراحی و پیاده‌سازی شود. در این صورت مدل امنیت داخلی در این زمینه با آنچه در ادبیات غربی یاد می‌شود تفاوت بنیادین خواهد داشت (بلندیان، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

مرجع امنیت داخلی

در تعیین مرجع امنیت، در پی شناسایی و تعیین نهادهایی هستیم که به شکل ضابطه‌مند وظیفه

امنیت‌سازی را بر عهده دارند. به تعبیر برخی نویسندگان امنیتی، در تعیین مرجع امنیت داخلی به دنبال پاسخ دادن به این سؤال هستیم که امنیت داخلی برای چه و امنیت کدام واحد مدنظر است (کریمی مله، ۱۳۸۴: ۷۶۷). در مسئله امنیت داخلی، مخاطب حکومت‌ها هستند و مسئله اصلی «حاکمیت» است. حاکمیت را به «اقتدار عالی و نهایی که قانون را تعیین و اعمال می‌کند» تعریف می‌کنیم. چنانچه حکومت یک کشور نتواند کنترل و اقتدار کافی بر اتباع و امور داخلی خود اعمال نماید و یا افراد و گروه‌هایی مانع از اعمال «قدرت» مؤثر حکومت در داخل قلمروش شوند، نمی‌توان از امنیت داخلی و به تبع آن از حاکمیت صحبت کرد (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۷۵). ساموئل هانتینگتون در «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» به این بُعد توجه کرده و با عنایت به وضعیت کشورهای جهان سومی می‌نویسد: سامان سیاسی در این جوامع از ناحیه ضعف یا نبود اصول بنیادینی که محور فعالیت کلیه بازیگران و مورد اجماع ایشان باشد، معمولاً تهدید شده و ما شاهد تعرض پیوسته بازیگران خرده ملی یا فراملی به بنیادهای نظام سیاسی و در نتیجه وقوع بی‌نظمی در حیات اجتماعی مواجه هستیم که راه را برای بروز ناامنی هموار می‌سازد. به همین علت است که وجود «حاکمیتی مقتدر» از دیدگاه وی به مثابه پیش شرط تحقق «امنیت» مورد توجه است (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۶۰). بررسی‌های نظری، تجربه‌های عملی و مشاهده‌های عینی مؤید آن است که مرجع امنیت داخلی، سازمان‌ها و ساختارهای وابسته به حاکمیت اعم از امنیتی، نظامی، انتظامی و مردمی هستند که در هر کشوری متناسب با شرایط حاکم بر محیط آن کشور متفاوت است.

مرجع امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران

اهمیت نظام اسلامی که متشکل از نهادها و سازمان‌های حاکمیتی است در بیانات حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری آمده است. حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمایند: «چون مسئله اسلام و حکومت الهی در کار است، مسامحه در این امور چه بسا خللی وارد آورد که جبران آن مشکل یا غیرممکن شود و مسئولیت آن در پیشگاه خداوند بزرگ، عظیم باشد. مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (امام

خمینی، ره، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۱۵۳). «من به همه اشخاصی که قلم در دستشان است، زبان گویا دارند، می‌خواهم سفارش کنم که متوجه باشند که قلم آنها، زبان آنها در حضور خداست، فردا مؤاخذه دارد، صحبت سر دولت و ریاست جمهوری و اینها نیست، صحبت سر نظام است، نظام اسلام است... مطرح، نظام جمهوری اسلامی است، ما مکلفیم به حفظ او؛ همه نویسندگانش مکلف‌اند به حفظ نظام» (امام خمینی، ره، ۱۳۶۸، ج ۲۰: ۱۲۷). مقام معظم رهبری نیز در مقاطع مختلف چارچوب نظام اسلامی را مشخص کرده و می‌فرماید: «نظام اسلامی با اخلالگران در امنیت مردم طبعاً برخورد می‌کند. این وظیفه نظام است. نظام اسلامی اجازه نمی‌دهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوان‌های مردم را تهدید کنند... این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند؛ بی‌دفاع بماند؛ در مقابلش هر گونه مخالفتی، معارضه‌ای، قانون‌شکنی‌ای، مرزشکنی‌ای انجام بگیرد، باید عکس‌العمل نشان ندهد؛ این درست نیست؛ هیچ جای دنیا هم، چنین نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

«از دیدگاه برخی امنیت پژوهان، رژیم سیاسی به معنی صاحبان قدرت و نخبگان ابزاری، قدرتمندترین مرجع امنیت به شمار می‌رود. در این برداشت هدف محوری طرح‌ها، الگوها و رژیم‌های امنیتی، صیانت از رژیم حاکم و تأمین امنیت آن و نه حمایت و حفاظت از شهروندان است» (کریمی مله، ۱۳۸۴: ۷۷۱). اما آنچه مدنظر نظام جمهوری اسلامی ایران است برگرفته از شریعت دینی و آموزه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری که فلسفه وجودی دولت و ساخت حاکمیت را جز خدمت به مردم نمی‌دانند بوده و متفاوت از امنیت رژیم در معنای غربی و سکولاریستی آن است. بدیهی است در این رویکرد اصالت همچنان با تأمین امنیت مردم و جامعه اسلامی است.

حال که مرجع امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران مشخص گردید، به منظور فراهم ساختن زمینه مطالعه دقیق وضعیت امنیت داخلی در مقاطع مختلف زمانی و احصای نقاط قوت و ضعف و همچنین بررسی میزان آسیب‌پذیری امنیت مزبور در مقابل تهدیدهای مرتبط در راستای تولید و توسعه امنیت داخلی، ضروری است ابعاد و شاخص‌های امنیت داخلی به طور دقیق شناسایی و

کالبد شکافی شوند.

در یک نگاه کلی و اولیه، ترکیب اجزای سازمان حکومت را با بهره‌گیری از آرای اندیشمندان و نویسندگان، به ویژه در مورد جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر تقریر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و نتایج حاصل از مصاحبه با نخبگان امنیتی می‌توان به پنج بُعد تقسیم نمود:

- ۱- بُعد ذهنی؛ ۲- بُعد نهادی؛ ۳- بُعد انسانی؛ ۴- بُعد قانونی؛ ۵- بُعد مادی.

بُعد ذهنی

ره پیک در تشریح بُعد ذهنی می‌گوید، ایده‌ای وجود دارد که توجیه می‌کند که چرا این حکومت باید باشد. چیزی شبیه «اقتدار» می‌تواند سازه ذهنی حاکمیت باشد. این مرکز سختی که به عنوان حاکمیت و سازه سخت حاکمیت قرار دارد، چه ایده‌ای پشت آن است که بودن آن و وجود این سازه سخت را توجیه‌پذیر می‌کند (ره پیک، ۱۳۸۸: ۱۷).

در جمهوری اسلامی ایران ایده اسلام در شکل نظریه ولایت فقیه که توسط حضرت امام (ره) مطرح شد، مبنای اداره جامعه قرار گرفته است. امام (ره) در این باره می‌نویسند: اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که... برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان، جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذاری نکرده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد کرده و به رفع آنها کوشیده است (امام خمینی، ره، ۱۳۶۹: ۸). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با تصریح به مفهوم عدالت در موضوع مشروعیت که یکی از ارکان بُعد ذهنی سازمان حکومت محسوب می‌شود، می‌فرماید: مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست.... حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این جا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هر چه اختیار دارم و هر چه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

بُعد نهادی

این بُعد شامل مجموعه سازمان‌ها، ادارات و ساختارهای رسمی است که مطابق قوانین و حاکمیت و جامعه را در بخش‌های مختلف به عهده دارند. حضرت امام (ره) با تأکید بر ضرورت تشکیل نهاد دولت در جمهوری اسلامی و نقش آن در برقراری نظم و امنیت، ورود در آن را در دوران حاکمیت قانون حق و صحیح و لازم دانسته و در این باره می‌فرمایند: نمی‌شود امروز گفت که دولت هست و ما زیر بار دولت نمی‌رویم و دولت هست و ما مستخدم دولت نمی‌شویم. این حرف‌ها مال زمان طاغوت بود. زمان رسول‌الله هم دولت بود؛ زمان امیرالمؤمنین هم دولت بود. می‌شد بگویی که دولت هست و ما استخدام در این دولت نمی‌شویم؟! دولت از اموری است که باید در مملکت باشد. از واجبات حسیبیه‌ای است که واجب است برای حفظ نظم، دولت باشد (امام خمینی، ره، ج ۱۳: ۱۱۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌فرمایند: مردم ما می‌دانند که بسیاری از نابسامانی‌ها، کمبودها و مشکلات، به دلیل دشمنی، دخالت و خباثت دشمنان جهانی ماست. و این را هم می‌دانند که با تکیه به نیروی خودشان، با مقاومت، پشتکار، یگانگی، همکاری و صمیمیتشان با دولت و مسئولان اجرایی کشور، خواهند توانست این مشکلات را حل کنند؛ همچنان که خیلی از این مشکلات را حل کرده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹). ره پیک معتقد است سازه سخت حاکمیت شامل چند نهاد مهم است که شامل نهادهای اساسی سطح اول و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی هستند. منظور از نهادهای سطح یک، ولایت فقیه و کلیت سه قوه است. اصل مجلس، اصل نهاد قوه قضائیه، اصل نهاد ریاست جمهوری و نهادهای اطلاعاتی و حاکمیتی جزو وجه نهادی امنیت داخلی است به این صورت اهمیت بُعد نهادی امنیت داخلی هویدا می‌گردد (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۱۸).

بُعد انسانی

این بُعد شامل کلیه مدیران و کارکنان شاغل در ادارات و سازمان‌های حکومتی می‌شود که در بخش‌های مختلف اداری مشغول به کار هستند. امام خمینی (ره) با اشاره به نقش مدیران و مسئولان عالی نظام می‌فرمایند: سرچشمه همه مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان- به اصطلاح خودشان- از آنها باشد. از آن جایی

که زندگی می‌کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آنها می‌کنند، رفتار عبید با موالی باشد؛ تمام افکارشان متوجه به این مسائل است (امام خمینی، ره، ج ۱۶: ۴۴۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌فرمایند: برادران شاغل در دستگاه‌های اجرایی - منظور من فقط قوه مجریه نیست؛ دستگاه‌هایی که اجرا دارند؛ یعنی قوه مجریه، قوه قضاییه، نیروهای مسلح، و کلاً کسانی که اجرای کاری به عهده آنهاست - باید سر پُست خودشان، بیدار و هوشیار و دارای احساس مسئولیت باشند (آیت‌... خامنه‌ای، ۱۳۷۰). این مباحث نشان از اهمیت ویژه بُعد انسانی سازمان حکومت دارد که نقشی اساسی در تأمین امنیت داخلی ایفا می‌کند.

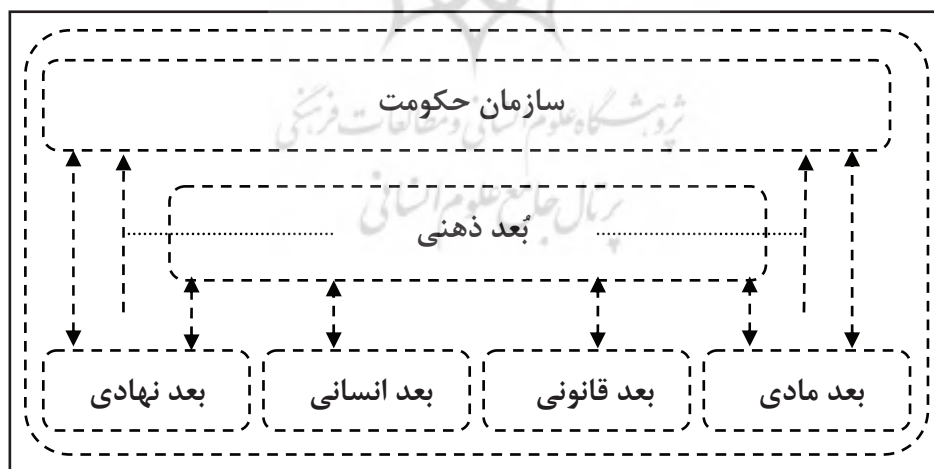
بُعد قانونی

این بُعد شامل مجموعه قوانین و مقرراتی می‌شود که از سوی مراجع قانونی حاکمیت وضع شده و مبنای اداره جامعه و روابط بین مردم با مردم، سازمان‌ها و ادارات حکومتی با مردم، و بین خود سازمان‌های حکومتی است. امام خمینی (ره) در مورد قانون و قانون‌گرایی می‌فرمایند: کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند اینها با اسلام مخالفت می‌کنند. کسانی که با مصوبات مجلس بعد از اینکه شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می‌کنند، اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می‌کنند. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه‌هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد (امام خمینی، ره، ج ۱۴: ۴۱۴). مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند: اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت آن است که برخلاف قانون انجام بشود... یعنی ما یک سری قوانین را معتبر می‌دانیم و آن را در وسط می‌گذاریم و همه چیز را با آن می‌سنجیم و هر چه که بر قانون منطبق شد، عدل است و هر چه که منطبق نشد، عدل نیست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸).

بُعد مادی

این بُعد به مجموعه امکانات، اموال، دارایی‌ها، تجهیزات و تأسیسات فیزیکی دولتی و عمومی

اطلاق می‌شود که به منظور اداره هر چه بهتر امور جامعه در اختیار مدیران و کارکنان حاکمیت قرار دارد. این اموال و دارایی‌ها جنبه خصوصی نداشته و تحت عنوان کلی بیت‌المال شناخته می‌شود. امام خمینی (ره) در مورد اموال و دارایی‌های نظام می‌فرماید: اموال مسلمین باید محفوظ باشد، اموال ملت ایران باید محفوظ باشد برای خود ملت ایران؛... مخازن زیرزمینی هر چه هست مال خود ایران است؛ باید خود ایرانی‌ها بیرون بیاورند؛ استخراج بکنند و استفاده کنند (امام خمینی (ره)، ج ۵: ۱۹۵). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در مورد نحوه بهره‌برداری از امکانات مادی در دستگاه‌های اداری و اجرایی می‌فرماید: بالاخره هر دستگاهی مقداری پول دارد، مقداری امکانات دارد، مقداری نفت فراهم می‌کند؛ این که نه با دعا، نه با دعوا، نه با شوخی و نه با هیچ چیز دیگر کم و زیاد نمی‌شود؛ آن چیزی که اشکال ایجاد می‌کند تا ما از همان چیزی که داریم، نتوانیم درست استفاده کنیم و نفت را به مردم بدهیم، مشکلات بوروکراسی، اشکالات اداری و ضعف دستگاه اجراکننده است. مشکل این است که از اینها استفاده بهینه نمی‌شود (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۷۰). بنابراین بُعد مادی که ابزاری در دست سازمان حکومت برای اداره هر چه بهتر جامعه است دارای اهمیت تعیین‌کننده است. این رویکرد را به طور اجمال می‌توان در شکل کلی زیر تبیین نمود:



نمودار ۱: مدل مفهومی امنیت داخلی (ره پیک و زمانی، ۱۳۹۰: ۱۷)

چنانچه از روابط بین ابعاد مشخص است در این مدل ابعاد نهادی، انسانی، قانونی و مادی

ضمن تأثیر مستقیم بر سازمان حکومت از طریق بُعد ذهنی سازمان حکومت را متأثر می‌سازند. به تعبیر روشن‌تر کارکرد سایر ابعاد، بُعد ذهنی را شکل می‌دهند. به طور مثال عملکرد مثبت یا منفی مدیران دستگاه‌های اداری، ذهنیت مثبت یا منفی برای اذهان جامعه می‌سازند. توضیح بیشتر آنکه یک پدیده منفی اداری اگر به طور مرتب در جامعه رخ بدهد و به موقع مرتفع نگردد به مرور زمان عنصر ناکارآمدی مدیران دستگاه‌های اداری در اذهان مردم و مسئولان برجسته می‌شود و از این منظر تأثیر منفی بر امنیت داخلی خواهد گذاشت.

با توجه به مطالب مطرح شده یکی از اساسی‌ترین مراجع برقراری امنیت پایدار در سطح جامعه وجود مدیران کارآمد در دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و دولتی است؛ لذا می‌توان گفت که ویژگی‌های مدیران شاغل در ناجا می‌تواند در کارآمدی آنها جهت برقراری امنیت پایدار موثر واقع گردد و به همین منظور ویژگی‌های فرماندهان، رؤسا و مدیران در چهار بعد زیر دسته‌بندی و مورد سنجش واقع گردید.

ویژگی‌های فرماندهان، رؤسا و مدیران

ویژگی‌های فرماندهان، رؤسا و مدیران در چهار بعد عبارت‌اند از:

- ۱- مدیریتی؛ ۲- شخصیتی؛ ۳- رفتاری؛ ۴- ارزش‌ها و بینش‌ها.



نمودار ۲: ویژگی‌های فرماندهان، رؤسا و مدیران شایسته، جلد ۱ (سجادی، ۱۳۹۰)

ویژگی‌های چهارگانه فوق دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی هستند که در جدول زیر ارائه

می‌گردد:

جدول ۱: ویژگی‌های فرماندهان، روسا و مدیران شایسته، جلد‌های ۱-۲-۳ و ۴ (سجادی، ۱۳۹۰)

ردیف	نوع ویژگی	شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی
۱	مدیریتی	۱- مهارت ادراکی ۲- مهارت انسانی ۳- مهارت قدرت تحمل ۴- مهارت تطبیق ۵- مهارت سازماندهی ۶- مهارت برنامه ریزی ۷- مهارت تصمیم‌گیری ۸- مهارت ایجاد انگیزش ۹- مهارت ارتباطی ۱۰- مهارت مشاوره پذیری ۱۱- مهارت ICDL ۱۲- مهارت اجتماعی ۱۳- مهارت نظارت و کنترل ۱۴- مهارت هدایت و رهبری ۱۵- مهارت اطلاعاتی
۲	شخصیتی	۱- شجاعت ۲- خلاقیت و نوآوری ۳- انعطاف پذیری ۴- قاطعیت ۵- اعتمادبه نفس ۶- بردباری و خویشترن داری ۷- هوش
۳	رفتاری	۱- اخلاق اسلامی ۲- امانتداری ۳- قانون گرایی ۴- مسئولیت پذیری ۵- اطاعت پذیری ۶- نظم و انضباط ۷- انگیزه و روحیه خدمتی ۸- تلاش و توسعه ۹- انضباط مالی و اقتصادی ۱۰- انضباط سیاسی ۱۱- مناعت طبع
۴	ارزشی و بینشی	۱- انجام فرائض دینی و رعایت شئون اسلامی ۲- اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه ۳- پای بندی به ارزشهای اسلامی و انقلابی ۴- ایجاد فضای اسلامی

راهبردهای مدیریتی برقراری امنیت پایدار

به طور قطع برنامه‌ریزی برای مدیریت امنیت بایستی از جامعیت لازم برخوردار باشد تا بتواند سه فرآیند تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا در حوزه مدیریت امنیت پایدار با بهره‌مندی از نگرش سیستمی نقش و جایگاه هر یک از سامانه‌های چهارگانه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را مشخص کرده تا به وسیله آن بتوان مؤلفه‌های امنیت و مدل‌های تحلیلی را بر پایه واقعیات و با توجه به نظام رفتاری- فرهنگی جامعه پایه‌ریزی کرد. انجام موفقیت‌آمیز این مدیریت، خود نیازمند مجموعه‌ای از اعمال مدیریت است که به اختصار به آنها پرداخته خواهد شد (قالیباف و ۱۳۸۲:۹۹).

۱- مدیریت تغییر: تغییرات در دنیای جدید با چهار ویژگی سرعت، گستره، شدت و پیچیدگی، عرصه‌های فراوانی را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که تأثیر امنیت از تغییرات بسیار زیاد است، کنترل و مدیریت عوامل تغییردهنده نقش بسزایی در افزایش و کاهش امنیت اجتماعی خواهد داشت.

۲- مدیریت توسعه: نگرش بخشی به توسعه، آثار و تبعات فراوانی را بر جامعه تحمیل می‌کند، از این رو در توسعه توجه به سه مسئله (انطباق با متن فرهنگی جامعه؛ همه جانبه بودن؛ تدریجی

بودن) می‌تواند چشم‌انداز امیدبخشی را برای نظام به ارمغان آورده و محیط داخلی نظام را مستعدتعادل و توانمند برای تعامل با محیط پیرامونی نماید.

۳- مدیریت انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی خود واجد سه فرآیند اساسی هماهنگی ساختاری، وحدت نمادی و ثبات سیاسی است. در هماهنگی ساختاری هم راستایی ساختارهای اساسی نظام در تولید بسترهای امنیت‌ساز و تأمین نیازهای اساسی جامعه مدنظر قرار می‌گیرد. توجه به ساختارهای تقویت‌کننده امنیت و اصلاح ساختارهای تضعیف‌کننده آن، میزان و سطح امنیت اجتماعی را ارتقا خواهد داد. در وحدت نمادین میزان اشتراک افراد و گروه‌های اجتماعی در باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده مورد توجه قرار می‌گیرد که نیازهای کلان فرهنگی افراد و گروه‌ها در این حوزه اشتراکی برآورده می‌شود. در ثبات سیاسی به میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی عطف توجه می‌شود؛ زیرا انسجام اجتماعی در شرایط ثبات سیاسی امکان تحقق و تداوم پیدا می‌کند.

۴- مدیریت اطلاعات: اطلاعات و دانایی به واسطه ویژگی‌هایی چون سیال بودن، نسبی بودن، سرعت اشاعه، محدودیت کنترل، فقدان محدودیت مرزی، ظرافت و حساسیت، فرصت‌های نوینی را فرا روی نظام کلان مدیریتی کشور گشوده است که در صورت غفلت و عدم توجه به آن، قابلیت بالایی برای تبدیل شدن به چالش دارد. از این رو، در مدیریت اطلاعات نحوه و کیفیت بهره‌مندی از فناوری اطلاعات در تأمین نیازمندی‌های جامعه در سطوح مختلف که بسترساز تولید و حفظ امنیت هستند به شدت مورد توجه قرار می‌گیرد. در مدیریت اطلاعات رسانه‌ها نقش محوری دارند.

۵- مدیریت انطباق: منظور از مدیریت انطباق، آن است که افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها طوری ظرفیت تولیدشان را در جامعه بالا ببرند که در هر سطحی قابلیت انطباق بیشتری با محیط خود پیدا نکنند و در این حوزه در پایین‌ترین سطح نظام رفتاری، فرد قابلیت حل مسئله بیشتری کسب نماید و قابلیت یادگیری فکری و ارتقای سطوح مهارت زندگی متناسب با شرایط نوین ارتقا یابد. در سطح کلان نظام اقتصادی بتواند در تعامل دو سویه با نظام‌های دیگر امکان بیشتری را در رفع نیازهای جامعه پیدا کند. نظام فرهنگی قادر به تولید و ذخیره‌سازی،

بازیافت و توزیع اطلاعات بیشتری بشود تا قدرت انطباقی نظام، متناسب با سطوح تغییرات افزایش یابد.

۶- مدیریت هویت جمعی: در جوامع جدید هر روز شاهد گروه‌بندی‌های اجتماعی هستیم. اگر جهت روابط گروه‌ها در ابعاد و شئون مختلف به سمت مبادله‌ای و ابزاری شدن هدف سوق پیدا کند، این وضعیت بستر مساعدی را برای تضعیف همبستگی اجتماعی فراهم می‌آورد؛ زیرا غالب شدن وجه ابزاری روابط موجب اولویت یافتن منافع گروهی بر مصالح ملی شده و زمینه مساعد برای شکل‌گیری «ما» و هویت جمعی به وجود نمی‌آید. ساخت‌بندی جوامع ایجاب می‌کند که جهت حرکت گروه‌بندی‌های اجتماعی به سوی ارزش‌های مشترک از پایین‌ترین سطوح به سمت هویت جمعی باشد و هویت جمعی، هویت‌های قومی، زبانی و گروهی را تحت‌الشعاع قرار دهد. برای عینیت یافتن چنین امری، اشتراکات خرده فرهنگ‌ها و تأکید بر آنها و نیز برقراری شرایط برای مجاورت و همزیستی مسالمت‌آمیز بیشتر میان آنها اقدامی مؤثر خواهد بود.

۷- مدیریت سرمایه انسانی: سرمایه انسانی پایه‌ای‌ترین سرمایه هر نظام اجتماعی به حساب می‌آید. کارآمدی یک نظام همواره در گروه منابع انسانی کارآمد است و توسعه منابع انسانی از یک سو به توانمندسازی و ارتقای سطح کیفی سرمایه انسانی توجه دارد و از سوی دیگر به ظرفیت‌های ساختاری کارآمد در راستای به کارگیری نیروی انسانی در نظام مدیریتی کشور توجه می‌نماید.

۸- مدیریت سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های مادی و انسانی، روابط اجتماعی را تسهیل و هزینه تعاملات میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی را کاهش می‌دهد. سرمایه اجتماعی با چهار عنصر ایمان، آگاهی، اعتماد و مشارکت، نقش اساسی در ارتقای سطح روابط اجتماعی در جامعه ایفا می‌نماید. سازوکارهای ارتقای سطح سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف، انسجام کارکردی نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را طلب می‌کند. از این رو، اقدامات اساسی و پایه‌ای فراسازمانی می‌تواند با تکیه بر بسترهای فرهنگی و ظرفیت‌هایی که جامعه برای سرمایه اجتماعی دارد با ارتقای سطح آن از یک سو بستر مساعد برای انسجام اجتماعی و تولید امنیت فراهم آورد و از دیگر سو با تعمیق آگاهی و شناخت عمومی در جامعه

و تنظیم رفتار افراد در محیطی اعتمادآمیز، مشارکت عمومی را در این خصوص گسترش دهد. ۹- مدیریت نیازها: در دنیای امروز درهم آمیختگی نیازها، میزان اشباع‌پذیری آنها را به شدت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که حوزه نیازهای کاذب بسیار گسترده‌تر از نیازهای واقعی شده است. از این رو، در سطح نظام اجتماعی، مدیریت نیازها شامل بررسی و شناخت نیازها و ذائقه‌های جامعه، عرصه‌های تغییر و تحول در نیازها، مشکلات و معضلات در ارضای نیازها، هم‌راستایی نهادها در سرمایه‌گذاری برای ارضای نیازهای واقعی از ضرورت‌های اساسی است که ارتباط وسیعی با امنیت اجتماعی دارد (قالیباف، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۶).

اصول اساسی مدیریتی مورد نیاز در برقراری امنیت داخلی

از این منظر محیط امنیتی هر جامعه‌ای بی‌شک تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای امنیت ملی، امنیت داخلی و امنیت عمومی است که در امنیت عمومی تأیید بر مشارکت مدنی، مالکیت خصوصی، تأمین مالی، جانی، اخلاق مردم و غیره است. چنین محیط امنیتی همواره واجد تهدیدها و فرصت‌هایی برای نظام جمهوری اسلامی است. از این رو، نیروی انتظامی در تأمین امنیت عمومی و داخلی جامعه باید جهت‌گیری‌های مبتنی بر اصول و مبانی زیر را در دستور کار خود قرار دهد تا شاهد برقراری امنیت پایدار در سطح جامعه باشیم (قالیباف، ۱۳۸۲: ۸۹).

۱- اصل جامعه محوری: از آنجایی که میزان و سطح امنیت عمومی و داخلی به میزان بلوغ و مسئولیتی بستگی دارد که مردم و جامعه و تعامل بین حاکمیت و مردم در نظم و انضباط اجتماعی می‌تواند وجود داشته باشد، لذا فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی در حوزه نگرش به مردم و جامعه باید از نگاه تهدید محوری به نگرش جامعه محوری تغییر رویکرد دهند.

۲- اصل جامع‌نگری: نظم و امنیت به عنوان پدیده اجتماعی، تک‌بعدی و تک‌علتی نیستند بلکه زنجیره‌ای از علل و بسترها در بروز پدیده‌های اجتماعی، دخالت دارند؛ لذا نگرش جامع فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا به این مقوله ضرورت اساسی دارد.

۳- اصل هماهنگی نظام‌مند: امنیت مقوله‌ای است فرابخشی و دستگاه‌ها و نهادها و اقشار جامعه به نوعی در تولید آن نقش دارند؛ بنابراین همکاری و هماهنگی این بخش‌ها در حفظ امنیت،

اصل اساسی است و در این جهت تعامل فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با سایر نهادها و اقشار جامعه از اصول مهم در برقراری امنیت پایدار است.

۴- اصل پیشگیری: از آنجایی که صرف برخورد با جرم و مجرم برخورد با معلول است، لذا ضمن مداومت در این امر، شناسایی و توجه به بسترها و زمینه آسیب‌ها و جرایم به عنوان اولویت‌های اساسی به منظور پیشگیری از تشدید آنها باید در دستور کار فرماندهان و مدیران ناجا قرار گیرد.

۵- اصل تقدم امنیت نرم‌افزاری: یعنی پیشگیری و کنترل باید بر اقتدار اطلاعات و روش‌های غیرمستقیم، نه قدرت حضور و مواجهه مستقیم، مبتنی باشد.

۶- اصل پویایی و انعطاف: به دلیل اینکه نظم و امنیت در جامعه ایستا نیستند، از این رو پلیس به عنوان حافظ نظم بایستی از حیث سازمان، ساختار و مأموریت، انعطاف‌پذیری و پویایی داشته باشد تا اشراف خود را نسبت به روند تغییرات و متغیرها حفظ کند. نه اینکه با تغییر مقابله کند بلکه تغییر را توأم با نظم به دنبال داشته باشد.

۷- اصل گستره و فراگیری: امنیت امری موسمی، مقطعی و مربوط به جغرافیای مکانی و زمانی خاصی نیست، در واقع سایه و چتر امنیت برای همه شهروندان و در هر مکان و زمانی باید گسترانیده شود.

۸- اصل نهادمندی و پایداری: از آنجایی که امنیت در بسترسازی چگونگی اداره حکومت‌ها نقش اساسی دارد، لذا پایداری و نهادمندی آن از حیث ساختاری و کارکردی از ضروریات اساسی برای مدیران سازمان و جامعه است.

۹- اصل دقت، صحت و سرعت: به واسطه حساسیت موضوع امنیت عمومی که با جان، مال و حیثیت مردم و جامعه مرتبط است، انجام امور به صورت دقیق، صحیح و سریع شرط اساسی موفقیت‌آمیز مأموریت‌ها خواهد بود.

۱۰- اصل رویکرد علمی و تخصصی: با توجه به پیچیدگی زندگی اجتماعی و تخصصی شدن امور که به صورت روزافزونی این روند افزایش می‌یابد، تخصصی کردن پلیس در سطوح و لایه‌های متناسب با نیازمندی‌های زندگی اجتماعی و تأمین نظم و امنیت، لازمه و ضرورت اساسی در

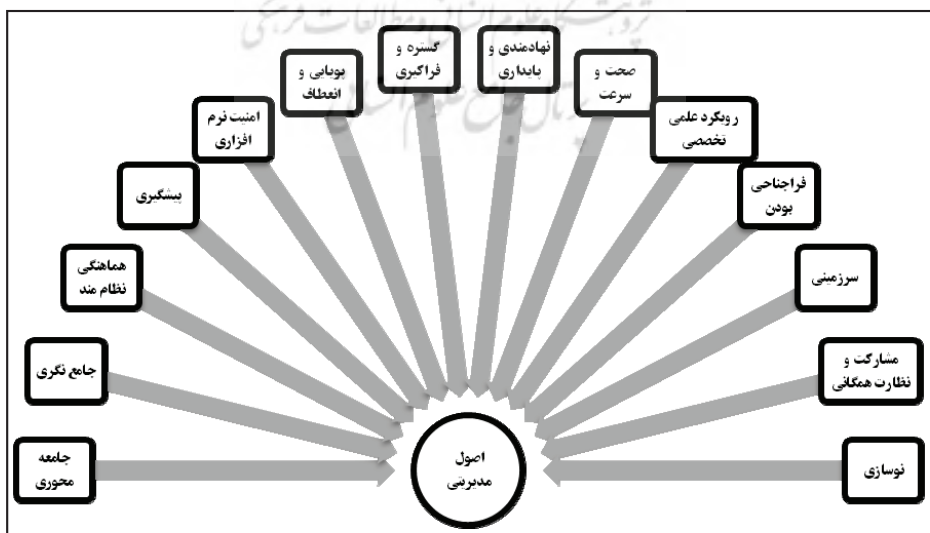
کار فرماندهان ناجا است.

۱۱- اصل فراجناحی بودن: با توجه به اینکه لازمه سلامت سازمان، دوری گزیدن از جناح‌بندی‌های سیاسی و تنش‌های حزبی است؛ دوری از مسائل سیاسی در برقراری امنیت برای فرماندهان و کارکنان سازمان حیاتی خواهد بود؛ زیرا اگر سایه سیاست‌زدگی روی مسائل اجتماعی گسترده شود، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول در حوزه اجتماعی کارکرد حزبی پیدا نموده و این امر در تضاد جدی با مصالح و منافع ملی خواهد بود.

۱۲- اصل سرزمینی: در این بحث موضوع اساسی، پراکندگی جرم و بزه است و بایستی متناسب با آن، فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا در انجام مأموریت‌ها قابلیت انطباق، انعطاف و در نتیجه اشرافیت لازم را داشته باشند.

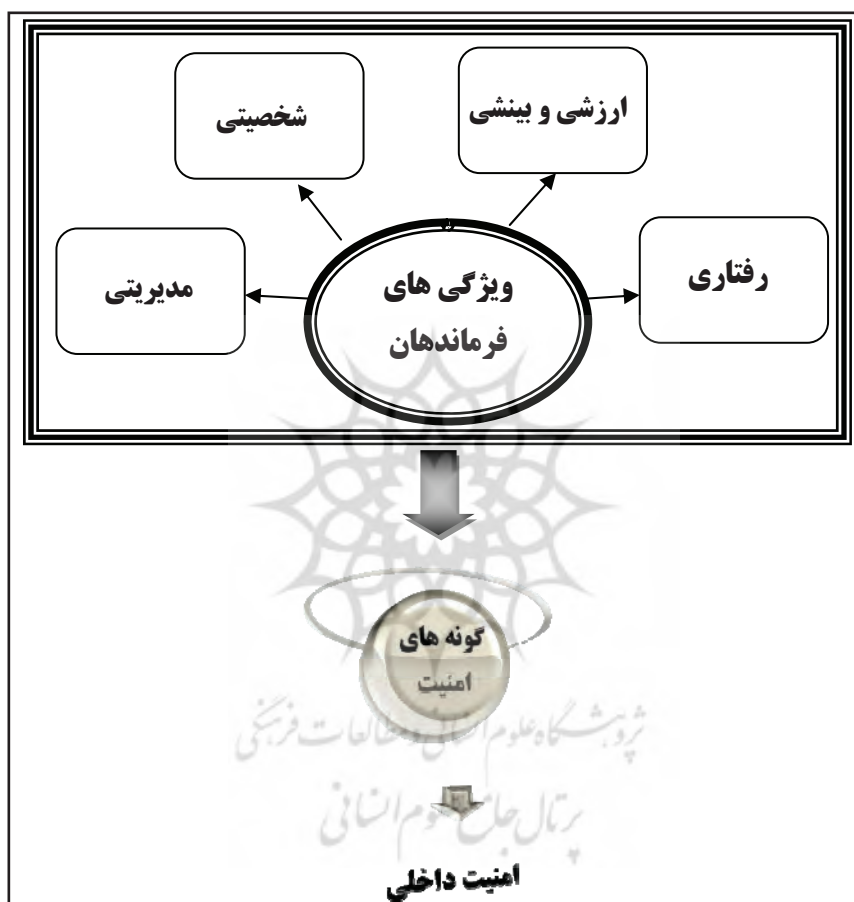
۱۳- اصل مشارکت و نظارت همگانی: در رویکرد جامعه محوری و تأمین حفظ امنیت، مردم می‌توانند نقش اساسی ایفا نمایند. این نقش همگانی از یک سو در قالب مشارکت و تعامل با پلیس و از سوی دیگر در نظارت بر عملکرد آن متجلی می‌شود.

۱۴- اصل نوسازی: این اصل بر تغییر و تحولات اجتماعی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی مبتنی است. بر این اساس، پلیس می‌بایست همواره در حوزه بهره‌مندی از روش‌ها، شیوه‌ها، فناوری و امکانات و تجهیزات به نوسازی خود بپردازد (قالیباف، ۱۳۸۲: ۴۷ تا ۵۰).



مدل مفهومی تحقیق

مدل تحقیق برگرفته از ویژگی‌های مدیریتی، شخصیتی، رفتاری، ارزشی و بینشی و مبانی نظری ارائه شده در راستای مبحث امنیت به شرح زیر است.



نمودار ۳: مدل مفهومی تحقیق (رابطه بین ویژگی‌های مدیران با برقراری امنیت داخلی)

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین ویژگی‌های مدیریتی فرماندهان ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ویژگی‌های شخصیتی فرماندهان ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین ویژگی‌های رفتاری فرماندهان ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین ویژگی‌های ارزشی و بینشی فرماندهان ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

روش

نوع این پژوهش، کاربردی و روش آن همبستگی است. جامعه مورد پژوهش، فرماندهان، رؤسا و مدیران فرماندهی انتظامی تهران بزرگ به تعداد ۱۰۰ نفر است و با توجه به محدود بودن جامعه آماری، نمونه‌گیری انجام نشده و تمام شماری گردیده است. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۴۰ سؤال از ویژگی‌های فرماندهان، رؤسا و مدیران است. در این تحقیق برای سنجش اعتبار پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شده و بسا استفاده از نظرهای تعدادی از استادان و صاحب نظران محترم، ابعاد گوناگون موضوع تحقیق شناسایی و در سوالات پرسشنامه لحاظ و نسبت به تنظیم پرسشنامه در قالب ۴۰ سؤال اقدام گردید. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مقدار ۸۵٪ برآورد گردیده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS، برای تعیین همبستگی و وجود رابطه بین متغیرها از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، یک نمونه‌ای و برای تعیین رتبه و اولویت بندی شاخص‌ها از آزمون تحلیل واریانس فریدمن استفاده شده است.

یافته‌ها

فرضیه اول: بین ویژگی‌های مدیریتی فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین ویژگی‌های مدیریتی فرماندهان،

روسا و مدیران با برقراری امنیت داخلی

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۱۰۰	۰/۸۹	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۲) می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های مدیریتی فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن نیز زیاد است.

جدول ۳: نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه اول تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	درجه آزادی (df)	سطح معنادار (sig)
ویژگی‌های مدیریتی	۱۰۰	۴/۸۹	۹۹	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۳) اینکه مقدار t جدول (۴/۸۹) بیش از ۳ است و همچنین چون سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه اول تأیید می‌گردد و با احتمال ۹۵٪ می‌توان گفت که: ویژگی‌های مدیریتی مدیران ناجا باعث برقراری امنیت داخلی خواهد شد و با توجه به میانگین‌های رتبه‌ای می‌توان شاخص‌های این فرضیه را از لحاظ تأثیر آنها در برقراری امنیت داخلی به صورت جدول زیر اولویت بندی کرد.

جدول ۴: اولویت بندی ویژگی‌های مدیریتی فرماندهان و مدیران ناجا

بر اساس میزان تأثیر در برقراری امنیت داخلی

ردیف	ویژگی‌های مدیریتی	میانگین رتبه ای
۱	نظارت و کنترل محسوس و غیر محسوس بر زیرمجموعه	۴/۷۵
۲	ترویج فرهنگ خود کنترلی در سطح سازمان و جامعه	۴/۷۵
۳	استفاده از فن آوریها و تکنولوژیهای روز دنیا	۴/۶۸
۴	توانایی تجزیه و تحلیل پیچیدگی‌های مختلف ماموریتی و ارایه راه حل مناسب	۴/۵۲
۵	حل تعارضات بین افراد با یکدیگر و ایجاد ساز و کار انجام کار گروهی	۴/۵۰
۶	بالا بودن آستانه تحمل فرماندهان در برابر تعرض و رفتارهای غیرقانونی	۳/۹۷
۷	قدرت تصمیم سازی، تصمیم‌گیری به موقع و مناسب در انجام ماموریت‌ها	۳/۹۵
۸	انجام عملیات روانی به منظور خنثی سازی عوامل ضد انگیزشی در سازمان	۳/۹۱
۹	آشنایی با فنون مذاکره و ارتباط با دیگر سازمان‌ها و نهادها	۳/۸۸

۳/۸۵	درک و احترام به سلیقه‌های مختلف	۱۰
۳/۸۲	برنامه محوری، کارکردن فرماندهان	۱۱
۳/۷۹	قدرت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری به موقع و مناسب در انجام مأموریت‌ها	۱۲
۳/۷۸	مهارت کلامی (میزان قدرت بیان)	۱۳
۳/۴۹	توانایی کسب اطلاعات مرتبط با مأموریت	۱۴
۳/۴۲	توانایی فرماندهان در تقسیم متناسب مأموریت با توجه به توانایی کارکنان	۱۵
۳/۳۸	آشنایی فرماندهان با تخصص و توانایی کارکنان	۱۶

فرضیه دوم: بین ویژگی‌های شخصیتی فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی فرماندهان،

رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۱۰۰	۰/۶۹	۰,۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۵) می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های شخصیتی فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن نیز زیاد است.

جدول ۶: نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه دوم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	درجه آزادی (df)	سطح معنادار (sig)
ویژگی‌های شخصیتی	۱۰۰	۴/۷۵	۹۹	۰,۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۶) اینکه مقدار t جدول (۴/۷۵) بیش از ۳ است و همچنین چون سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد و با احتمال ۹۵٪ می‌توان گفت که ویژگی‌های شخصیتی مدیران ناجا باعث برقراری امنیت داخلی خواهد شد و با توجه به میانگین‌های رتبه‌ای می‌توان شاخص‌های این فرضیه را از لحاظ تأثیر آنها در برقراری امنیت داخلی به صورت جدول زیر اولویت بندی کرد.

جدول ۷: اولویت بندی ویژگی‌های شخصیتی فرماندهان و مدیران ناجا
بر اساس میزان تأثیر در برقراری امنیت داخلی

ردیف	ویژگی‌های شخصیتی	میانگین رتبه ای
۱	میزان شجاعت و خطر پذیری فرماندهان در برخورد با مجرمین و متخلفین	۴/۴۹
۲	قدرت تخیل و ایده پروری فرماندهان	۴/۴۵
۳	داشتن بهره هوشی بالا	۴/۴۳
۳	میزان قدرت انطباق و انجام عکس العمل مناسب و به موقع در شرایط پیش بینی نشده	۴/۴۰
۴	داشتن اعتماد به نفس، روحیه فعال و استقلال رای و عمل توسط فرماندهان	۴/۳۲
۵	توانایی کنترل احساسات و تحمل عقاید مخالف	۴/۳۰
۶	بردباری، خویشتن داری، تحمل ناملایمات و سختی‌های خدمتی	۴/۲۹
۷	بیان صریح، شفاف و سریع مواضع قانونی سازمان توسط فرماندهان در برابر قانون گریزان	۴/۲۸

فرضیه سوم: بین ویژگی‌های رفتاری فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸: ضریب همبستگی بین ویژگی‌های رفتاری فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۱۰۰	۰/۶۵	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۸) می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های رفتاری فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن نیز زیاد است.

جدول ۹: نتایج آزمون t یک نمونه ای جهت بررسی فرضیه سوم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	درجه آزادی (df)	سطح معنادار (sig)
ویژگی‌های رفتاری	۱۰۰	۴/۶۶	۹۹	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۹) مقدار t جدول (۴/۶۶) بیش از ۳ است و همچنین چون سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد و با احتمال ۹۵٪ می‌توان گفت که ویژگی‌های رفتاری مدیران ناجا باعث برقراری امنیت داخلی خواهد شد و با توجه به میانگین‌های رتبه‌ای می‌توان شاخص‌های این فرضیه را از لحاظ تأثیر آنها در برقراری امنیت داخلی به صورت

جدول زیر اولویت بندی کرد.

جدول ۱۰: اولویت بندی ویژگی‌های رفتاری فرماندهان و مدیران ناجا
بر اساس میزان تأثیر در برقراری امنیت داخلی

ردیف	ویژگی‌های رفتاری	میانگین رتبه ای
۱	حسن خلق، تواضع، فروتنی، مدارا با مردم، عفاف، پاکدامنی، صداقت و سایر ویژگی‌های اخلاق اسلامی فرماندهان	۴/۶۵
۲	استفاده صحیح، به موقع و مناسب از اختیارات و مسئولیت سازمانی توسط فرماندهان	۴/۶۳
۳	رعایت انضباط فردی، خصوصاً آراستگی ظاهری	۴/۶۰
۴	رعایت انضباط سازمانی در همه ابعاد آن	۴/۵۸
۵	انگیزه و روحیه خدمتی، پرتحرکی و سرزنده بودن و جدیت فرماندهان در اجرای مأموریت‌ها	۴/۵۲
۶	اهمیت دادن و تشویق افکار نو و ایجاد زمینه‌های عملیاتی شدن این افکار در سازمان	۴/۵۰
۷	تلاش فرماندهان در راستای رشد مهارت و تخصص خود و کارکنان	۳/۹۷
۸	شناخت قوانین و عمل به آن توسط فرماندهان	۳/۹۵
۹	علاقه و دلسوزی فرماندهان در خدمت	۳/۹۱
۱۰	اجرای صحیح فرامین و دستورات سلسله مراتب از سوی فرماندهان	۳/۸۸

فرضیه چهارم: بین ویژگی‌های ارزشی و بینشی فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱: ضریب همبستگی بین ویژگی‌های ارزشی و بینشی فرماندهان،

رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنادار (sig)
۱۰۰	۰/۹۲	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۱۱) می‌توان نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های ارزشی و بینشی فرماندهان، رؤسا و مدیران ناجا با برقراری امنیت داخلی رابطه معناداری وجود دارد و میزان همبستگی آن نیز زیاد است.

جدول ۱۲. نتایج آزمون t یک نمونه ای جهت بررسی فرضیه چهارم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	مقدار t	درجه آزادی (df)	سطح معنادار (sig)
ویژگی‌های ارزشی و بینشی	۱۰۰	۴/۹۹	۹۹	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۱۲) مقدار t جدول (۴/۹۹) بیش از ۳ است و همچنین چون سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ است فرضیه چهارم نیز تأیید می‌گردد و با احتمال ۹۵٪ می‌توان گفت که ویژگی‌های ارزشی و بینشی مدیران ناجا باعث برقراری امنیت داخلی خواهد شد و با توجه به میانگین‌های رتبه‌ای می‌توان شاخص‌های این فرضیه را از لحاظ تاثیر آنها در برقراری امنیت داخلی به صورت جدول زیر اولویت بندی کرد.

جدول شماره ۱۳: اولویت بندی ویژگی‌های ارزشی و بینشی فرماندهان و مدیران ناجا

بر اساس میزان تاثیر در برقراری امنیت داخلی

ردیف	ویژگی‌های ارزشی و بینشی	میانگین رتبه ای
۱	اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه توسط فرماندهان	۴/۹۰
۲	اهمیت در بکارگیری نیروهای ارزشی و اینارگر توسط فرماندهان	۴/۷۵
۳	میزان تقید فرماندهان به رعایت ظواهر اسلامی و حضور در مراسم و مناسبت‌های ملی و مذهبی	۴/۷۴
۴	انجام فرایض دینی و رعایت شئون اسلامی توسط فرماندهان	۴/۷۳
۵	تلاش فرماندهان در راستای ایجاد فضای اسلامی و تعظیم به شعائر الهی در سطح سازمان	۴/۶۸
۶	میزان توجه فرماندهان به سلامت خانواده خود و کارکنان	۴/۵۲

در بررسی آماری انجام شده، ویژگی‌های ارزشی و بینشی از اولویت بیشتری نسبت به سایر ویژگی‌ها برخوردار بوده است. این نقش‌ها را به صورت جدول (۱۴) اولویت بندی کرد.

جدول ۱۴: اولویت بندی ویژگی‌های فرماندهان، روسا و مدیران ناجا

بر اساس میزان تاثیر در برقراری امنیت داخلی

ردیف	نقش‌ها	میانگین رتبه ای
۱	ویژگی‌های ارزشی و بینشی	۲/۵۷
۲	ویژگی‌های مدیریتی	۲/۴۳
۳	ویژگی‌های شخصیتی	۲/۳۲
۴	ویژگی‌های رفتاری	۲/۳۰

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران داشتن جامعه‌ای امن، مستقل

و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازاریابی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت است؛ بنابراین وصول به چنین جامعه‌ای مستلزم تولید و توسعه امنیت داخلی در کشور است. همان گونه که بیان شد در این تحقیق امنیت داخلی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن سازمان حکومت و مناسبات درونی اش ضمن اطمینان از استمرار بقا، از تهدید و خطرهای بالفعل و قریب‌الوقوع مصون و نسبت به موجودیت خود احساس ناامنی و خطر نداشته باشد. بنابراین سازمان حکومت به عنوان مرجع امنیت داخلی و در واقع تحت عنوان نهاد امنیت ساز تعیین گردید. همچنین تولید و توسعه امنیت داخلی باید مبتنی بر ابعاد و شاخص‌های بومی جامعه ایرانی که در این تحقیق ارائه گردید بنا شود. راهکارهای تأمین امنیت داخلی که باید مبتنی بر مرجع، ابعاد و شاخص‌های احصا شده تبیین شود در قالب سه رویکرد متمرکز، نیمه متمرکز و غیرمتمرکز ارائه گردید. مدیریت در سپهر نوین جامعه بشری که بر گستره فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICT) استوار است، از یک سو امکان اعمال الزامات خود را با تفکر، ابزار و شیوه‌های سنتی و مبتنی بر سعی و خطا از مدیران حکومت‌ها و دولت‌ها سلب نموده، و از سوی دیگر اساساً اصرار بر ادامه چنین روندی، موجب اتلاف منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی شده و حاصلی جز استیصال و عقب‌ماندگی در پی نخواهد داشت. علاوه بر آن نسل جدید مدیریت، در روند تکاملی خود با خلق ابتکارهای تازه و مستمر، دیگر شرایط گذشته را برنتابیده و همواره در پی براندازی شالوده‌های کهن و درانداختن طرح‌های جدید و کارا به منظور اداره بهینه جامعه و ساختارهای متنوع آن است. بدیهی است اجتناب از وضع موصوف، مستلزم تمسک به اندیشه و رویکرد نوینی است که قادر باشد با درک شرایط متحول سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، ... شعاع و افق دید مدیران عالی را به نحوی همه جانبه گسترش داده، در تعیین سیاست‌ها و اهداف بلندمدت و کلان جامعه، مددکار، و در بهره‌گیری از سازوکارهای بدیع، راهنما و به این صورت آنان را به سر منزل شکوفایی رهنمون شود. این چشم‌انداز تنها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های کارآمد جامعه علمی و خلق فرصت‌های نو و مبتکرانه در عرصه مدیریت کلان جامعه عینیت خواهد یافت. امروزه در پیش گرفتن این رویکرد توسط رهبران حکومت‌ها، به تفکر راهبردی شهرت یافته که بهره‌گیری از آن در شرایط فعلی و آینده اجتناب‌ناپذیر است. آنچه که اهمیت و ضرورت کاربرد تفکر راهبردی را در مدیریت کلان

جامعه مضاعف ساخته، آن است که از یک سو مقارن با توسعه و تحول همه جانبه در ابعاد و ویژگی‌های مختلف جوامع، شیوه و شگرد رقبا و دشمنان در مواجهه با حاکمیت‌های معارض خود از گسترشی رمزآلود و قابل توجه برخوردار گردیده است. از سوی دیگر حاکم شدن شرایط پیش گفته بر فضای جامعه ایرانی و پیچیدگی فعالیت‌های امنیتی دشمنان نظام جمهوری اسلامی که به حق از جانب مقام معظم رهبری جنگ نرم نام گرفته است، مستلزم در پیش گرفتن رویکردهایی روزآمد و کارا به منظور دستیابی به اهداف کلان سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مذکور در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. در غیر این صورت نظام اسلامی به سرعت مشروعیت خود را نزد افکار عمومی، از دست خواهد داد. چنانچه بیان شد برقراری و توسعه امنیت داخلی یکی از مهم‌ترین اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور است که شایسته توجه و برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه است. با توجه به مطالب ارائه شده در مقاله می‌توان ادعان داشت که نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با در پیش گرفتن سه راهکار اساسی زیر موفق به تولید، توسعه و صیانت از امنیت داخلی شود و به این صورت بسترتحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در آینده نیز مهیا گردد.

پیشنهادها:

- ۱- تشکیل کار گروه طراحی سیستمی با هدف ایجاد مدل جامع امنیت پایدار بر مبنای ابعاد و ویژگی‌های چهار گانه مدیریتی، شخصیتی، رفتاری و ارزشی و بینشی فرماندهان ناجا.
- ۲- تشکیل کارگروه‌های علمی تخصصی به تعداد ابعاد امنیت (ذهنی، نهادی، قانونی و انسانی)؛ در معاونت عملیات و پلیس پیشگیری ناجا با همکاری سایر معاونت‌ها و پلیس‌های تخصصی به منظور احصای مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در برقراری امنیت پایدار.
- ۳- مد نظر قرار دادن مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ارزشی و بینشی، مدیریتی، رفتاری و شخصیتی فرماندهان ناجا در زمان انتصاب فرماندهان ناجا توسط بازرسی کل ناجا.

منابع

منابع فارسی

- امام خمینی (ره) (۱۳۶۸)، صحیفه نور، جلدهای ۵، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰.
- _____ (۱۳۶۹)، صحیفه انقلاب، وصیت نامه سیاسی الهی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۷۶)، ولایت فقیه. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آریاپور، محسن (۱۳۸۴)، تحلیل نقش بسیج در برقراری امنیت داخلی و پیشنهاد استراتژی مناسب، مطالعه موردی شهر تهران. پایان نامه دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- اسلامی، مجتبی و حسین درجانی (۱۳۸۸)، «امنیت در اسلام (مبانی و قالب‌های فکری)». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۲) افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، «چهره متغیر امنیت داخلی: بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۴.
- _____ (۱۳۸۰)، ثبات رسانه‌ای، در رسانه‌ها و ثبات سیاسی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ (۱۳۸۰)، «ساخت دولتی امنیت ملی». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۴(۲)
- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۸۹)، «الگوی راهبردی تأمین امنیت اجتماعی در نیروی انتظامی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۰ (۳۹).
- بلندیان، غلامحسین (۱۳۸۶)، تأثیر جنبش‌های نوین اجتماعی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد مدیریت آسیب با تأکید بر شهر تهران. پایان نامه دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷)، تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی. پایان نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جدی، مجید (۱۳۸۳)، بررسی مدیریت بحران در زمینه امنیت داخلی و ارائه الگوی بهینه در مورد پژوهش وقایع کوی دانشگاه تهران ۱۸ الی ۲۳ تیر ماه ۷۸. پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، اصول و مؤلفه‌ها. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حق پناه، جعفر (۱۳۷۸)، «ایوزیسیون و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۷۸، (۴).
- ربیعی، علی (۱۳۸۴)، مطالعات امنیت ملی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۰)، کندو کاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۸)، مباحث کلاس درس بررسی تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها و آسیب‌های داخلی. دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت ملی.
- _____ (۱۳۹۰)، «امنیت داخلی در افق چشم انداز ۱۴۰۴». فصلنامه علمی پژوهشی نظم و امنیت انتظامی و شماره ۳ (۳)، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم بینش‌ها و فنون، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا

کریمی مله، علی (۱۳۸۴)، «شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۴.

گروهی از دانشجویان دانشکده فرماندهی و ستاد (۱۳۹۰)، امنیت داخلی از دیدگاه مقام معظم رهبری. دانشگاه علوم انتظامی ناجا

مجموعه بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای مدظله العالی. (سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۲). در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری.

مرجایی، سید هادی (۱۳۸۱)، بررسی و سنجش احساس امنیت در بین گروه‌های مختلف شهر قم. طرح تحقیقاتی معاونت سیاسی امنیتی استانداری قم.

میرزایی، جلال (۱۳۸۵)، شکاف قومی، دولت مرکزی و امنیت ملی ایران (مطالعه موردی: مناطق کرد نشین). پایان نامه مقطع دکتری، به راهنمایی سید حسین سیف زاده، دانشگاه تهران.

نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی. تهران: انتشارات سنا.

نوید نیا، منیژه (۱۳۸۵)، «تاملی نظری در امنیت اجتماعی با تاکید بر گونه‌های امنیت». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۱.

منابع انگلیسی

- Carmine Scavo, Richard C. Kearney and Richard J. Kilroy. (2007). Challenges to Federalism: Homeland Security and Disaster Response, Oxford journals, publisher Oxford University.
- Christensen, Tom and others. (2007). Crisis Management-The Case of Internal, Security in Norway, in conference: Governance crisis in comparative perspective korea university. Seoul.
- Yaeli Bloch-Elkon. (2007). Preventing Terrorism After The 9/11 Attacks, Oxford journals, publisher Oxford University.
- Homeland security council (2007) national strategy for Homeland security, www.washingtondc.org.